

جرم تجاوز به حاکمیت ارضی از دیدگاه کنفرانس بازنگری اساس نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی

دکتر ایرج رضایی‌نژاد*

تینا جمالی جغدانی*

چکیده:

از مسائل اساسی مطروحه در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، موضوع تعریف تجاوز و تعیین عناصر متشکله آن بوده است. آن چه که باعث اهمیت این موضوع شده، عدم حصول توافق در مورد تعریف این جرم پیش از جلسات مربوط به بازنگری و در طول تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی است. در این کنفرانس، بیش از همه به تعریف مندرج در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد توجه و از آن به‌عنوان منبع اصلی تعریف تجاوز استفاده شد. موضوع صلاحیت دیوان در مورد جرم تجاوز و این که آیا شورای امنیت تنها رکن صالح برای احراز جرم تجاوز می‌باشد باعث بحث‌های فراوان و عدم حصول نتیجه تا آخرین جلسات پیش از تشکیل کنفرانس بازنگری شد. در این نوشتار، سعی شده است تا مسائل فوق‌الاشعار از جهات مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه، کنفرانس بازنگری، جرم تجاوز، حاکمیت ارضی، عناصر جرم.

*. استادیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

** . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق بین‌الملل.

مقدمه:

در این مقاله، سعی شده است که به جلسات پیش از برگزاری کنفرانس بازنگری اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی و سیر تطور آن تا برگزاری کنفرانس و تعریف جرم تجاوز، پرداخته شود. در این اجلاس، موضوعی که بسیار مورد توجه بود، ارائه تعریفی جامع و کامل از جرم تجاوز بود. دلیل اصلی طولانی شدن مباحثات، عدم توافق در باب صلاحیت دیوان و نقش شورای امنیت در احراز جرم تجاوز بوده است. سؤالات عمده مطرح شده عبارت بودند از این که آیا شورای امنیت باید تنها رکن صالح برای احراز جرم تجاوز باشد یا این که می‌توان از رکن دیگری از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، مجمع عمومی ملل متحد و یا یک رکن قضایی دیگر برای احراز جرم تجاوز استفاده کرد؟ با توجه به این که جرم تجاوز شدیدترین جرایم است، مسئولیت در این جرم، بر چه کسی بار می‌شود؟

از آنجایی که در قطعنامه ۳۳۱۴، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد^۱ به مسئولیت دولت‌ها اشاره شده، گرایش برای تعریف به سمت این قطعنامه بیشتر بوده است و برای بیان مسئولیت کیفری فردی نیز این امکان که آیا می‌توان به رویه‌ی نورنبرگ برای مسئولیت کیفری فردی ارجاع کرد، مطرح شد. در باب مسئولیت فردی، رویه‌ی نورنبرگ، افراد مسئول در جرم تجاوز را بهتر از هر منبع دیگری برای ما روشن می‌نماید.

به نظر می‌رسد با توجه به استقلال دیوان، شورای امنیت تنها رکن صالح برای رسیدگی به جرم تجاوز نباشد و بتوان این صلاحیت را در اختیار دیگر ارکان از جمله یک رکن قضایی نیز قرار داد. افزون بر این، به دلیل تصویب قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ مجمع عمومی به صورت اجماع، این قطعنامه منبع اصلی برای تعریف جرم تجاوز بوده و رویه‌ی نورنبرگ را نیز به خاطر احکام صادره پس از جنگ جهانی دوم در مورد جرایم علیه صلح که در واقع، مبین جرم تجاوز می‌باشد، نمی‌توان از نظر دور داشت.

در این مقاله، در ابتدا به جلسات برگزار شده پیش از تشکیل کنفرانس بازنگری اشاره می‌شود. در این نشست‌ها، به نظرهای افراد شرکت‌کننده و قراردادن نتایج جلسات در

طرح‌های قابل‌بحث، توجه شده است. هم‌چنین، در این جلسات، به تعریف جرم تجاوز و اقدامات شخص مرتکب و امکانات مختلف حضور رکن جدید در کنار شورای امنیت، رکن صالح جایگزین شورای امنیت در صورتی که شورای امنیت جرم تجاوز را احراز نکرده باشد، بررسی و در نهایت، عناصر مادی و معنوی جرم تعیین گردید.

علاوه بر این، بعد از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، کمیسیون مقدماتی تشکیل شد و تلاش‌های فراوانی در جلسات کمیسیون مقدماتی صورت گرفت تا به دنبال آن بتوان تعریفی از جرم تجاوز ارائه داد. به دلیل عدم توافق میان کشورها، متن واحدی در باب تعریف تجاوز به دست نیامد و بحث در مورد این موضوع به کنفرانس بازننگری موکول شد. آنچه که اساس نبود توافق میان کشورها را در این جلسات تشکیل می‌داد، گرایش به تعریف تجاوز به دو صورت بود. یکی تعریفی که به صورت عام بود و تعریف کلی از تجاوز ارائه می‌داد، بدون این که مصادیق آن را بیان کند. عموماً کشورهای پیشرفته و در واقع اعضای دائم شورای امنیت بودند که از این نظر حمایت می‌کردند. دومین گرایش که در واقع، در تقابل با نظر اول قرار داشت، تعریف تجاوز به صورت خاص و با بیان مصادیق آن بود. طرفداران این نظر بیشتر کشورهای در حال توسعه و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد بودند. طرفداران این نظر، مصادیق جرم تجاوز را همانی می‌دانستند که در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد درباره تعریف تجاوز آمده بود. به دنبال عدم حصول سازش در جلسات کمیسیون مقدماتی، بررسی عمیق در مورد این موضوع به جلساتی که قرار بود برای کنفرانس بازننگری تشکیل شود، موکول شد. در اولین جلسه‌ای که کمیسیون مقدماتی برای تعریف جرم تجاوز تشکیل داد، یک گروه کاری برای تعریف جرم تجاوز ایجاد کرد تا علاوه بر رسیدگی به موضوع تعریف جرم تجاوز، موارد مرتبط با آن را نیز رسیدگی نماید. این موارد عبارت بودند از؛ عناصر جرم تجاوز و مباحث مربوط به جزئیات صلاحیت دیوان در این مورد.^۴

تعریف جرم تجاوز

در اولین جلسه‌ای که برای جرم تجاوز در سال ۲۰۰۴ م. صورت گرفت از اقدام به جرم تجاوز یعنی عنصر مادی صحبت شد.^۵ در این جلسه برای مواردی که در باب جرم تجاوز در منبعی مثل قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد وجود ندارد به بندهای فرعی "ب" و "و" شق ۳ ماده‌ی ۲۵ اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی (از این پس اساس‌نامه) ارجاع داده شد؛ یعنی مواردی که به مسئولیت کیفری فردی یا همان اقدام فرد در ارتکاب جرم اشاره دارد که می‌توانست در این موضوع مورد استفاده قرار گیرد.^۶ حال آن‌که این بندها صرفاً اقدامات فردی را مورد توجه قرار می‌دهند و به اقدامات جمعی نمی‌پردازند.^۷ در همین جلسه، دو طرح با عنوان طرح‌های "الف" و "ب" ارائه شد. تفاوت این دو طرح در نحوه‌ی برخوردشان با مسئولیت فردی بود. طرح "الف" بار مسئولیت را به‌صورت عمیقی بیان نمی‌کند. این طرح، تنها اعمال کنترل مؤثر و شرکت به‌صورت فعال در اقدام تجاوز را بیان می‌کند. درحالی‌که طرح "ب" در بیان مسئولیت فردی جلوتر رفته و اشعار داشته است که: «... شخصی مرتکب جرم تجاوز می‌شود که در موقعیتی قرار داشته باشد که به‌طور مؤثر اعمال نظارت می‌کند یا یک اقدام سیاسی یا نظامی يك دولت را هدایت می‌کند و به‌صورت آگاهانه، به‌طور فعال در طراحی، ابتکار یا اجرای عمل تجاوز دستور می‌دهد یا شرکت می‌کند».^۸ در جلسه بعد که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، موضوعی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت، شخص مرتکب جرم تجاوز بود. نظر بر این بود که تجاوز به‌گونه‌ای تعریف شود که مرتکب اصلی در آن مشخص شود؛ یعنی فرمانده یا کسی که در سطح بالایی از مقامات دولتی قرار دارد، هیچ‌گاه خودش کار اصلی را انجام نمی‌دهد و این قضیه را به زیردستان و سربازان واگذار می‌کند. در واقع، به دلیل این‌که جرم تجاوز شدیدترین جرایم است، مسئول این جرم باید در موقعیتی قرار داشته باشد تا بتواند به‌طور مؤثر اعمال نظارت کند.^۹

در ادامه، در جلسه‌ای که در سال ۲۰۰۶ برگزار شد، بحث در باب تعریف، صورت

جدی‌تری پیدا کرد و عدم توافق درباره‌ی عام یا خاص بودن تعریف جرم تجاوز دوباره خود را نشان داد. طرفداران عام بودن تعریف، استدلال‌شان آن بود که تمام موارد تجاوز در یک تعریف نمی‌تواند بگنجد. طرفداران خاص بودن تعریف، مبنای خود را قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ مجمع عمومی قرار می‌دادند و با توجه به آنچه که در این باب، در اسناد دیگر آمده بود از جمله رویه‌ی نورنبرگ، ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی برای پروتکل حقوقی، سیاسی، مدنی، طرح قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل، معتقد بودند که نمی‌توان تجاوز را بدون تعریف باقی گذاشت.^{۱۰} در نهایت، در این جلسه، سندی تنظیم شد که به‌واسطه آن، فعل قابل انتساب به شخص در تعریف تجاوز تعیین گردید. در این سند، مقرر گردید:

«در چارچوب هدف اساسنامه‌ی حاضر، در صورتی شخص مرتکب جرم تجاوز می‌شود که در موقعیتی قرار داشته باشد که به‌طور مؤثر اعمال نظارت کند یا اقدام نظامی یا سیاسی یک کشور را هدایت کند. شخصی که عمداً و آگاهانه دستور می‌دهد یا به‌طور فعال در طراحی، تدارک، ابتکار یا اجرای عمل تجاوز شرکت می‌کند و فعلش نقض آشکار منشور سازمان ملل باشد». (این بند برای ارتکاب تجاوز به قطعنامه ۳۳۱۴ ارجاع می‌دهد)

در سال ۲۰۰۸ و در جلسه‌ی ششم، طرح تعریف تجاوز ارائه شد. این طرح اصلاحیه‌ای بر اساسنامه‌ی رم تلقی می‌شود؛

اصلاحیه‌ی زیر موضوع تنفیذ قرار می‌گیرد و باید مطابق با بند [۴/۵] ماده ۱۲۱ لازم‌الاجرا شود:

۱ - حذف بند ۲ ماده‌ی ۵ اساسنامه.

۲ - متن پیش رو را بعد از ماده‌ی ۸ اساسنامه درج کنید.

ماده‌ی ۸ مکرر

جرم تجاوز

۱ - در چارچوب هدف این اساسنامه جرم تجاوز عبارت است از: طراحی، تدارک شروع یا اجرا به‌وسیله‌ی یک شخص در موقعیتی که به‌طور مؤثر اعمال نظارت می‌کند یا اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را در اقدام تجاوز کارانه هدایت می‌کند که عمل تجاوز به لحاظ

ماهیت، شدت و گستره‌اش یک نقض آشکار از منشور ملل متحد می‌باشد.

۲ - در بند یک منظور از اقدام تجاوزکارانه عبارت است از: استفاده از نیروهای مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا هر روش دیگری که مغایر با منشور ملل متحد معنی می‌دهد.

هر یک از اقدامات زیر بدون توجه به اعلامیه‌ی جنگ، مطابق با قطعنامه‌ی ۳۳۱۴

مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد، عمل تجاوزکارانه تلقی می‌گردد:

«الف - تهاجم یا حمله به وسیله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر یا هر نوع اشغال نظامی هرچند موقت که ناشی از چنین تهاجم یا حمله‌ای باشد یا هر ضمیمه‌سازی با استفاده از زور علیه سرزمین دولت دیگر یا قسمتی از آن؛

ب - بمباران توسط نیروهای مسلح یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر یا استفاده از هرگونه سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛

ج - محاصره‌ی بندرگاه یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر؛

د - حمله توسط نیروهای مسلح یک دولت از خشکی، دریا یا به نیروهای هوایی یا ناوگان‌های هوایی و دریایی دولت دیگر؛

ه - استفاده از نیروهای مسلح یک دولت که با رضایت دولت دیگر در سرزمین آن مستقر هستند به خلاف شروط مندرج در موافقت‌نامه استقرار نیروها یا ادامه حضور این نیروها در سرزمین آن دولت پس از پایان مدت موافقت‌نامه مزبور؛

و - اجازه یک دولت به استفاده از سرزمین‌اش توسط دولت دیگر برای ارتکاب عمل تجاوز علیه یک دولت ثالث؛

ز - عمل یک دولت یا به نام یک دولت در اعزام سربازان مزدور مسلح یا ارتش‌های نامنظم و دسته‌جات مسلح که اعمالی مشابه اعمال نیروهای مسلح باشد ... یا ارائه کمک‌های مهم به چنین اعمالی».^{۱۱}

این طرح در سال ۲۰۰۹ به صورت قطعنامه با حذف جمله‌ی اول در باب لازم‌الاجرا شدن، به صورت اجماع تصویب شد.

باید گفت بند یک که در واقع بخش جدیدی نسبت به قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ می‌باشد، از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول، در مورد مسئولیت کیفری فردی بحث می‌کند و با توجه به رویه‌ی نورنبرگ عنوان گردیده است. با به پایان رسیدن جنگ جهانی دوم و با برجا گذاشتن مصیبت‌های فراوان، کشورهای قدرتمندی هم‌چون انگلستان، ایالات متحده‌ی امریکا، فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تصمیم گرفتند که جانی‌های جنگی این

جنگ را در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه کنند. بدین ترتیب در سال ۱۹۴۵ م. در کنفرانسی در لندن، منشور تأسیس این محکمه‌ی بین‌المللی به تصویب رسید و به منشور نورنبرگ معروف شد. طریق رسیدگی و گردشکار پرونده‌های رسیدگی‌شده در دادگاه نورنبرگ، مبنا و رویه‌ای شد که در محاکم آتی به‌عنوان رویه‌ی نورنبرگ، مورد استناد قرار گرفت؛ آنچه که در ماده‌ی ۶ منشور نورنبرگ ذکر شده است،^{۱۲} با عنوان جنایات علیه صلح آمده، در واقع، بیانگر جرم تجاوز است.^{۱۳} در باب مسئولیت افراد در مورد جرم تجاوز باید این موضوع را مد نظر قرار داد که جرم تجاوز شدیدترین جرایم می‌باشد و بدین ترتیب، افرادی که مرتکب این جرم می‌شوند در یکی از سطوح بالا در امور سیاسی، نظامی یا حکومتی قرار دارند.

از آن جایی که جرم تجاوز شدیدترین جرایم است باید در شرایط خاص اتفاق بیفتد. به همین منظور، در تعریف جرم تجاوز و در قسمت دوم بند یک آستانه‌ای برای ارتکاب جرم در نظر گرفته شده است. این آستانه در جایی اتفاق می‌افتد که عمل تجاوز به لحاظ ماهیت، شدت و گستره‌اش نقض آشکار منشور ملل متحد می‌باشد.

با توجه به این که جرم تجاوز در بالاترین سطح نسبت به جرایم بین‌المللی قرار گرفته است، آنچه که باعث می‌شود تا تجاوزی ارتکاب یابد، وجود عمل تجاوزی است که در ماهیت، شدت و گستره‌ی نقض آشکاری از منشور ملل متحد می‌باشد. این نقض آشکار به بند ۴ ماده‌ی ۲ منشور ملل متحد اشاره دارد که بدین صورت اشعار می‌دارد: «کلیه‌ی اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا در هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود». مسئله مهم، احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌های دیگر و استفاده نکردن از زور است که با منشور ملل متحد مغایرت دارد.

آنچه که استفاده از زور را در منشور مجاز می‌دارد، در مواد ۳۹ تا ۴۲ منشور مقرر گردیده است. طبق ماده‌ی ۳۹ «چنانچه تهدیدی بر ضد صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز صورت گیرد، شورای امنیت توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده‌ی صلح بین‌المللی به چه

اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید دست زند». طبق ماده‌ی ۴۰، شورای امنیت از طرفین می‌خواهد تا اقدامات خود را متوقف نموده و حتی‌الامکان وضعیت کنونی را به حالت پیش از تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز اعاده نمایند. در صورتی که توصیه‌های شورای امنیت مؤثر نیفتد، این شورا می‌تواند تصمیم بگیرد که طبق مواد ۴۱ و ۴۲ اقدام نماید. در مرحله اول، به صورت تحریم‌های مختلف یا اقدامات مسلحانه کمتر از جنگ مثل عمل تلافی جویانه یا مقابله به مثل اقدام می‌نماید. در صورتی که این اقدامات نیز مؤثر نیفتد، شورای امنیت می‌تواند طبق ماده‌ی ۴۲ از دول عضو بخواهد تا نیروهای نظامی خود را در اختیار سازمان ملل متحد بگذارند تا در قالب اقدام امنیت جمعی و برای اعاده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی از نیروهای آن‌ها استفاده کند.^{۱۴}

صلاحیت دیوان در باب جرم تجاوز

در جلساتی که در مورد موضوع صلاحیت دیوان صورت گرفت، اولین بحث، در مورد این موضوع بود که آیا دیوان می‌تواند نسبت به موضوع تجاوز مربوط به کشورهای که اصلاحیه را نپذیرفته‌اند، اعمال صلاحیت کند؟ با توجه به بند ۵ ماده‌ی ۱۲۱ اساس‌نامه که بیان می‌دارد؛ رسیدگی از سوی دیوان تنها در صورتی ممکن است که جرم تجاوز در سرزمین دولتی که اصلاحیه را تصویب کرده، ارتکاب یافته باشد، رسیدگی از سوی دیوان در غیر این صورت، ممکن نمی‌باشد.^{۱۵} در این صورت، احتمال آن می‌رود در صورتی که جرم تجاوز در سرزمینی که اصلاحیه را پذیرفته است توسط دولتی که اصلاحیه را نپذیرفته است، ارتکاب یابد، قابل پیگیری از سوی دیوان باشد.

در خصوص اصلاحات در باب جرم تجاوز و آنچه که به عنوان صلاحیت دیوان در مورد جرم تجاوز لحاظ می‌شود، طبق بند ۲ ماده‌ی ۵ اساسنامه، باید مطابقت خود را با منشور حفظ کند. منظور از مطابقت با منشور، در واقع، احراز ابتدایی تجاوز از سوی شورای امنیت است. تعدادی از شرکت‌کنندگان در جلسه، این اختیار را انحصاراً در صلاحیت شورای امنیت می‌دانستند اما تعدادی دیگر، این صلاحیت را انحصاری ندانسته و آن را اولیه تلقی نمود و معتقد بودند در صورتی که شورا نتواند به خوبی به موضوع رسیدگی کند، دیگر ارکان ملل

متحد از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و مجمع عمومی باید این اختیار را داشته باشند تا از عهده‌ی تصمیم در آن مورد برآیند.^{۱۶} این گروه هم‌چنین اعتقاد داشتند که این احراز می‌تواند از سوی ارگانی قضایی صورت گیرد.^{۱۷} در ادامه، این گروه بیان کردند که در صورت انحصاری بودن صلاحیت شورای امنیت، در این مورد عملاً کار دیوان متوقف می‌شود.^{۱۸} بحث در باب استقلال دیوان و صلاحیت انحصاری شورای امنیت ادامه پیدا کرد. در جلسه چهارم دو طرح در این باره ارائه شد که یکی احراز جرم تجاوز را در صلاحیت یک ارگان قضایی قرار می‌داد و آن را پیش‌شرطی برای شروع پیگرد از سوی دیوان می‌دانست. در صورتی که گروه دیگر، در طرح خود، استقلال دیوان را کاملاً حفظ کرده و احراز جرم تجاوز را موکول به هیچ رکن دیگری ننمودند.^{۱۹} حتی در صورتی که دیوان، استقلال خود را در این موضوع حفظ کند، در هر صورت، نباید اختیار دیوان را در معلق کردن پرونده به مدت ۱۲ ماه، قابل تمدید از سوی شورای امنیت، فراموش کرد.^{۲۰} در جلسه‌ی پنجم با وجود اختلافات در این مورد، توافقاتی نیز صورت گرفت:

زمانی که دادستان قصد رسیدگی به یک پیگرد قانونی در ارتباط با جرم تجاوز را دارد، دیوان باید اطمینان حاصل کند که آیا شورای امنیت، عمل تجاوز را که توسط دولت مزبور ارتکاب یافته، احراز نموده است. اگر شورای امنیت جرم تجاوز را احراز نکرده باشد، دیوان باید به شورای امنیت شرایط جرم تجاوز نزد دیوان را اطلاع دهد.^{۲۱} در باب رسیدگی و موارد مختلفی که شورای امنیت در آن نقش دارد، گروه کاری، متنی را که به نظر مناسب می‌آمد، در جلسه‌ی ششم ارائه داد:

ماده‌ی ۱۵ مکرر:

«اعمال صلاحیت قضایی نسبت به جرم تجاوز؛

۱ - دادگاه می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به جرم تجاوز مطابق ماده ۱۳، که موضوع مقررات این ماده قرار می‌گیرد، اعمال کند.

۲ - جایی که دادستان نتیجه می‌گیرد که مبنای منطقی برای رسیدگی همراه با پیگرد قانونی در مورد جرم تجاوز وجود دارد، باید نخست اطمینان حاصل کند که آیا شورای امنیت عمل تجاوز را که توسط دولت مزبور ارتکاب یافته، احراز نموده است. دادستان باید به دبیرکل (سازمان) ملل متحد وضعیت پیش‌روی دیوان را که شامل اطلاعات و اسناد مرتبط می‌باشد، اطلاع دهد.

انتخاب ۱ - در نبود چنین احرازی، دادستان می‌تواند رسیدگی همراه با تحقیق را در خصوص جرم تجاوز انجام

ندهد.

انتخاب ۲ - اضافه شود:

مگر این که شورای امنیت قطعنامه‌ای تحت فصل هفت منشور ملل متحد صادر کرده و از دادستان درخواست اقامه دعوی همراه با تحقیق در ارتباط با جرم تجاوز را بنماید.^{۲۲}

در نشست‌های ششم و هفتم، مسئله رکنی که تجاوز را احراز کند همچنان ادامه داشت و پیشنهادی مبنی بر اشکال مختلف تصمیم‌گیری شورای امنیت ارائه شد. از جمله این که رسیدگی با اطلاع به مجمع عمومی شروع شود مگر این که شورای امنیت قطعنامه‌ای در این باب صادر کرده باشد. حتی در صورت وجود قطعنامه دادستان بتواند با توجه به یافته‌هایش که به اطلاع مجمع عمومی می‌رساند، قطعنامه را لغو کند.^{۲۳} در جلسه هشتم سعی شد تا برای آسان‌تر رسیدن به نتیجه، طرحی به صورت قطعنامه ارائه شود. در این طرح، مواردی مشابه آنچه که در جلسه پنجم با عنوان مشترکات ارائه شده بود، ارائه گردید. مواردی که به تازگی در آن گنجانده شده بود، عبارت بودند از:

«در صورتی که دادستان، موضوع را به شورای امنیت اطلاع دهد و در طول ۶ ماه از این اطلاعیه، احرازی از سوی شورای امنیت صورت نگیرد، دادستان ممکن است در ارتباط با جرم تجاوز اقامه دعوا نماید.

گزینه‌ی ۱ - به بند در همین جا خاتمه دهد.

گزینه‌ی ۲ - اضافه شود:

مقرر شود که جلسه‌ی پیش از دادگاه، شروع به رسیدگی در خصوص جرم تجاوز را مطابق با آیین‌دادرسی مقرر شده در ماده‌ی ۱۵ در ارتباط با اختیارات دادستان در شروع به رسیدگی، اجازه داده است.

گزینه‌ی ۳ - اضافه شود:

مقرر شود که مجمع عمومی احراز کرده است که اقدام تجاوز با ارجاع به ماده‌ی ۸ مکرر ارتکاب یافته است.

گزینه‌ی ۴ - اضافه شود:

مقرر شود که دیوان بین‌المللی دادگستری، ارتکاب اقدام به تجاوز را که توسط دولت با توجه به ویژگی‌هایی که در ماده‌ی ۸ مکرر به آن ارجاع شده، احراز نموده است.

گزینه‌ی ۵ - یک احراز از اقدام تجاوز توسط یک ارگان خارج از دیوان باید بدون قضاوت تبعیض‌آمیز نسبت به یافته‌های خود دیوان با در نظر گرفتن این اساس‌نامه باشد.

گزینه‌ی ۶ - این ماده بدون پیش‌دوری نسبت به مقررات مرتبط با اجرای صلاحیت قضایی در ارتباط با دیگر جرایم ارجاع شده در ماده‌ی ۵ می‌باشد.^{۲۴}

در خصوص ارجاع از طرف دولت یا شخص ذی‌نفع (proprio motu) بند ۲ ماده‌ی ۱۲

اساس‌نامه باید اعمال شود.^{۲۵} ارجاع، از طریق سه مکانیزم می‌تواند اعمال شود. این سه

مکانیزم، ارجاع از طرف شورای امنیت، دولت و شخص ذی‌نفع می‌باشد.

فیلترها^{۲۶} یا محدودیت‌هایی نسبت به سازوکارهای ارجاعی اعمال می‌شود؛ در مورد ارجاع شورای امنیت، با توجه به آنچه که در ماده‌ی ۱۳ آمده نیاز به فیلتری ندارد. در مورد ارجاع از طرف دولت و شخص ذی‌نفع، با توجه به آنچه که در بند ۲ ماده‌ی ۱۲ آمده، شرط صلاحیت سرزمینی بودن قابل استنباط است. در این دو مورد، صلاحیت بر مبنای رضایت می‌باشد. از هر یک از دولت ملی یا دولت سرزمینی در این مفهوم مهم است که بیان شود، جرم تجاوز خصوصاً در سرزمین هر یک از دولت متجاوز یا قربانی ارتکاب یافته است.^{۲۷} علاوه بر پیش‌شرط‌هایی که در ماده‌ی ۱۲ اساس نامه آمده است، رسیدگی طبق ماده‌ی ۵۳ صورت می‌گیرد. رسیدگی تنها در صورتی ایجاد می‌شود که؛

الف - سرزمینی که در آن، جرم ارتکاب می‌یابد، دولت عضو باشد.

ب - جرم توسط یک تبعه عضو صورت گیرد.^{۲۸} در متنی که در ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب رسید که در آن به ارگانی خارج از دیوان اشاره می‌کرد، این متن در بسیاری موارد شبیه متن قبلی بود اما موارد جدیدی را نیز در خود قرار داده است. در این متن، به احراز تجاوز از طرف مجمع عمومی و دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره‌ای نمی‌شود. موارد تازه‌ای که اضافه شده‌اند:

متن اصلی بند ۳ ماده‌ی ۲۰ با بند زیر عوض می‌شود. بقیه بند بدون تغییر باقی می‌ماند.

بند ۳ ماده‌ی ۲۰: «کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۶، ۷، ۸، ۸ و ۸ مکرر، جرم شناخته شده، توسط دادگاه دیگری محاکمه شده است، از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، برای همان رفتار، محاکمه نخواهد شد».^{۲۹}

در مورد ابتکار دادستان، این موضوع اهمیت یافت که آیا باید فیلتری وجود داشته باشد یا نباشد. یعنی آیا شورای امنیت باید احراز اقدام تجاوز را صورت داده باشد یا نداده باشد یا می‌توان با استفاده از ارگانی غیر از شورای امنیت، تجاوز را احراز نمود؟ آیا دولت مزبور باید حتماً صلاحیت دادگاه را پذیرفته باشد یا پذیرش صلاحیت دادگاه در این موضوع اجباری نمی‌باشد؟

تصمیم در مورد این موضوع با بررسی و تلفیق همه موارد به صورت جایگزینی می‌تواند منتهی به یک نتیجه برای صلاحیت دیوان در باب جرم تجاوز شود.

تلفیق ۱: موردی که دولت متجاوز، صلاحیت دیوان را قبول و پرونده را به شورای امنیت ارائه نموده باشد. و شورای امنیت نیز جرم تجاوز را احراز کرده باشد.

تلفیق ۲: دولت متجاوز، صلاحیت دیوان را قبول نکرده است اما شورای امنیت، جرم تجاوز را احراز کرده است. این رسیدگی در صورتی اجرایی می‌شود که دولت قربانی صلاحیت دیوان را پذیرفته و پرونده را به شورای امنیت ارائه کرده باشد.

تلفیق ۳: دولت متجاوز، صلاحیت دیوان را پذیرفته و پرونده را به شورای امنیت ارائه کرده باشد. در صورتی که شورای امنیت، احرازی را صورت نداده باشد، دیوان می‌تواند بدون فیلتری یا با مطرح کردن موضوع نزد فیلتر دیگری به موضوع رسیدگی کند.

تلفیق ۴: پذیرش صلاحیت دیوان از طرف دولت متجاوز، اجباری نیست. دیوان در صورتی به موضوع رسیدگی می‌کند که دولت قربانی صلاحیت دیوان را پذیرفته و پرونده را (نیز) به شورای امنیت ارائه کرده باشد. در صورتی که شورای امنیت، احرازی صورت نداده باشد، دیوان می‌تواند بدون فیلتر یا با فیلتر دیگری پرونده را به جریان ببرد.^{۳۰}

در جلسه مطبوعاتی که در ژوئن ۲۰۱۰ برگزار شد، نتیجه‌ی بررسی‌ها در باب جرم تجاوز اعلام شد. با لحاظ کردن صلاحیت دیوان، در کنفرانس توافق صورت گرفت؛ در وضعیتی که به نظر می‌آید اقدام تجاوز صورت گرفته است، می‌تواند توسط شورای امنیت تحت فصل هفت منشور به دیوان ارجاع شود بدون در نظر گرفتن این که دولت درگیر، عضو یا غیرعضو باشد. با توجه به قبول نقش شورای امنیت در احراز تجاوز، توافق شد در صورتی که احراز پیشین از سوی شورای امنیت نباشد، به دادستان اجازه داده می‌شود که به ابتکار خودش یا دول عضو، یک پیگرد را شروع کند. هر چند دادستان باید برای شروع پیگرد در مورد جرم تجاوز اجازه‌ای از جلسه‌ی پیش از دادگاه داشته باشد. درخصوص جرایمی که در سرزمین‌های دول غیرعضو ارتکاب می‌یابد یا توسط اتباع آن‌ها انجام می‌شود یا دول

عضوی که با اعلامیه‌ای، اصلاحیه‌ای را نپذیرفته‌اند، دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد.^{۳۱}

عناصر جرم تجاوز

عناصر جرم تجاوز هم شامل عنصر مادی و هم شامل عنصر معنوی می‌شود. در عنصر مادی، اقدام به جرم تجاوز باید توسط يك شخص صورت گیرد. از آن جایی که جرم تجاوز جدی‌ترین و شدیدترین جرایم، است این سؤال مطرح می‌شود که اقدام به جرم تجاوز چه افرادی را و با چه پستی در يك رژیم حکومتی شامل می‌شود؟^{۳۲} در مورد پرداختن به این موضوع با آوردن بند ۳ مکرر در ماده‌ی ۲۵ اساس نامه پیشنهاد شد که به‌رغم بند ۳ بالا یک شخص باید به‌صورت کیفری مسئول و متعهد جهت مجازات برای جرم تجاوز در موقعیتی باشد که به‌طور مؤثر بر اقدامات سیاسی یا نظامی کشور نظارت نماید.^{۳۳} با توجه به این بند، مسئولیت شامل فرماندهان درجه دوم نیز می‌تواند بشود. در مورد این که چه اقدامی باعث مسئولیت کیفری می‌شود، در جلسه‌ی چهارم طرحی با وارد کردن بند ۳ جدید در ماده‌ی ۲۵ اساس نامه ارائه شد:

«در ارتباط با جرم تجاوز تنها اشخاصی که در موقعیتی قرار دارند که (بتوانند) به‌طور مؤثر اعمال نظارت کنند یا اقدام سیاسی یا نظامی دولت را هدایت کنند باید به‌صورت کیفری مسئول و مستحق مجازات باشند». در این طرح، فرض بر این است که بند ۳ ماده‌ی ۲۵ اساس نامه، قابلیت اعمال در مورد مسئولیت کیفری در جرم تجاوز را دارد.^{۳۴} مورد مسئولیت کیفری فرماندهان مهم‌ترین بحث در موضوع فرد مسئول در خصوص جرم تجاوز است که در منشور نورنبرگ به آن پرداخته شده بود. در ماده‌ی ۶ آن منشور بدین گونه از عناصر جرم صحبت شده بود:

«نقشه‌کشیدن، آماده‌سازی [تهیه]، شروع یا اقدام به جنگ تجاوزکارانه یا جنگی که متضمن نقض موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باشد. یا شرکت در اقدامات یادشده و یا توطئه‌چینی برای ارتکاب آن‌ها، جنایت علیه صلح به شمار می‌آید». جنایت علیه صلح در منشور نورنبرگ در واقع، مصداق اصلی تجاوز را متذکر شده است.^{۳۵} عنصر متشکله مسئولیت فردی مربوط می‌شد به این که اثبات گردد؛ متهمان، از رهبران یا معاونین وقوع این جنایت بوده (احراز سمت)، از تجاوز اطلاع داشته (عنصر معنوی)، در طراحی یا به‌راه‌انداختن جنگ تجاوزکارانه مشارکت داشته یا کمک کرده باشند

(عنصر مادی).^{۳۶} در طرح قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری نیز در ماده‌ی ۱۶ این قانون برگرفته از منشور نورنبرگ به موضوع مسئولین جرم تجاوز پرداخته است:

«فردی که به‌عنوان رهبر یا طراح به‌صورت فعال به‌منظور تدارک، طراحی، ابتکار یا شروع تجاوز که توسط دولتی ارتکاب می‌یابد، در این جرم شرکت می‌کند یا فرمان می‌دهد باید برای جرم تجاوز، مسئول، قلمداد شود».^{۳۷}

در جلسه‌ی پنجم، با بحث در باب این موضوع که مسئولیت جرم تجاوز به‌صورت تفکیک‌ناپذیری وابسته به اقدام تجاوز می‌باشد و با لحاظ این‌که جرم تجاوز شدیدترین جرایم (Leadership Crime) است، فعل رهبری را با خود دارد و اقدام یک شخص را بهتر و بیشتر نشان می‌دهد.^{۳۸} این جرم تنها توسط افرادی قابل ارتکاب است که دارای سطوح بالای سیاسی یا نظامی هستند و قابلیت طراحی، تدارک، نقشه‌کشیدن و ابتکار عمل تجاوز تنها توسط این افراد امکان‌پذیر است.

برای گنجاندن مسئولیت فردی در جرم تجاوز، منشور نورنبرگ مبنا قرار گرفت. رویه‌ی نورنبرگ و محکومیت متهمان در محاکم نورنبرگ رویه‌ای است که نشانگر نحوه‌ی دخالت افراد و درجه‌ی آن‌ها در نظام می‌باشد.

برای روشن ساختن نقش افراد عالی رتبه به چند مورد از پرونده‌های بررسی‌شده در دیوان نورنبرگ اشاره می‌شود.

از پرونده‌های مطرح‌شده در دیوان نورنبرگ، پرونده‌ی شخصی به‌نام «ارنست فن وایز سااگر» بوده است. سااگر^{۳۹} وزیر امور خارجه‌ی دولت آلمان بود. او ادعا داشت که در طراحی نقشی نداشته و با توجه به پست خود در وزارت امور خارجه با اقدام تجاوز مخالفت کرده است. ادعاهای او مورد پذیرش محکمه‌ی نورنبرگ واقع نشد. طبق مستندات ارائه‌شده هیچ عکس‌العمل واقعی از سوی سااگر در مخالفت با اقدامات متجاوزانه وجود نداشت. چرا که او با توجه به ادعای مخالفت با اقدام تجاوز، مورد بازخواست رژیم قرار نگرفته بود. هم‌چنین هیچ تلاشی برای جلوگیری از اقدامات تجاوز آتی صورت نداده بود و اطلاعات خود را در مورد جنگ‌های پیش‌رو در اختیار دول دیگر قرار نداده بود. دیوان به این موضوع توجه نمود که مذاکرات با توجه به ریاست او شکل می‌گرفت و صرفاً از نقطه

نظرهای او برای مشاوره به فرماندهان استفاده می‌شد. بدین ترتیب، دیوان او را محکوم به جرم تجاوز و ۷ سال زندان نمود.^{۴۰}

از دیگر موارد، «پرونده‌ی ژنرال ویلهلم کیتل»^{۴۱} است. این فرد، فرماندهی عالی ورمخت^{۴۲} بود. با توجه به مستندات دادگاه نورنبرگ او دارای پست فرماندهی بر بخش‌های انسانی ورمخت بود اما در طراحی حملات و اقدامات نظامی دست داشت و این برای محکومیت او کفایت می‌کرد.^{۴۳}

با لحاظ مسئولیت، در این جلسه، طرحی برای رسیدن به یک طرح نهایی پیشنهاد شد. در این پیشنهاد با عنوان کردن دستور به طراحی، تدارک و اجرای عمل تجاوزکارانه؛ ارجاع به اعمال مندرج در قطعنامه ۳۳۱۴ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی با عنوان عنصر مادی؛ ارتکاب با آگاهی به خود عمل و نتایج آن اقدام با توجه به ماهیت؛ شدت و گستره که یک نقض آشکار از منشور ملل متحد را تشکیل می‌دهد، طرح عناصر جرایم را مطرح می‌کند.^{۴۴} در مورد مسئولیت فردی در مورد جرایم که در بند ۳ ماده‌ی ۲۵ اساس نامه آمده است، شماره‌ی ۳ مکرر وارد می‌شود تا مسئولیت را در مورد جرم تجاوز بیان کند؛

شماره ۳ - مکرر: «در ارتباط با جرم تجاوز مقررات این ماده باید تنها نسبت به اشخاصی که در موقعیتی قرار دارند که به‌طور مؤثر اعمال نظارت می‌کنند یا اقدامات سیاسی یا نظامی یک دولت را هدایت می‌کنند، اعمال شوند».^{۴۵}

در میان اجلاس جلسه‌ی هشتم، طرح عناصر جرایم ارائه شد:

طرح عناصر جرایم

ماده‌ی ۸ مکرر:

«جرم تجاوز

۱ - در هر یک از اقداماتی که به ماده ۸ مکرر بند ۲ برمی‌گردد، درک می‌شود که به‌عنوان اقدام تجاوز واجد شرایط می‌باشد.

۲ - نیاز به اثبات این نمی‌باشد که مرتکب، بررسی حقوقی صورت داده است مبنی بر این که آیا استفاده از نیروهای مسلح، مطابق با منشور ملل متحد است یا نه!

۳ - شرط آشکار (نقض آشکار منشور) یک شرط لازم موضوعی است.

۴ - نیاز به اثبات این نیست که مرتکب، بررسی حقوقی به‌عنوان ماهیت نقض آشکار منشور ملل متحد انجام داده است».^{۴۶}

در نهایت، طرح عناصر جرایم در اجلاس ۲۰۰۹ به صورت زیر بیان شد:

- ۱ - مرتکب طرح کرده، تدارک دیده، شروع کرده یا اجرا کرده؛
- ۲ - مرتکب شخصی است که ممکن است بیش از یک نفر با این معیار باشد؛
- ۳ - اقدام تجاوزکارانه استفاده از نیروهای مسلح توسط دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت یا در هر روش دیگری که ناسازگار با منشور سازمان ملل متحد ارتکاب یافته باشد؛
- ۴ - مرتکب از اوضاع واقعی که عدم مطابقت با منشور ملل متحد در مورد استفاده از نیروهای مسلح را ایجاد کرده، آگاه است.

[در واقع، تنها باید از اوضاع واقعی آگاه باشد نه از موارد قانونی]^{۴۷}

- ۵ - اقدام تجاوز یا توجه به ماهیت، شدت و گستره، شامل یک نقض آشکار از منشور ملل متحد می‌شود.
 - ۶ - مرتکب از اوضاع واقعی که عدم مطابقت با منشور ملل متحد را ایجاد کرده، آگاه است.^{۴۸}
- عنصر ۶ علاوه بر عنصر ۴، موقعیتی را بیان می‌دارد که در آن، شخص، از اقداماتی که منجر به تجاوز می‌شود آگاهی دارد اما از این موضوع که این اقدامات توجه به ماهیت، شدت و گستره منجر به نقض آشکاری از منشور ملل متحد می‌شود، آگاهی ندارد. با توجه به این عنصر، نیاز به آگاهی از این مطلب که مرتکب ارزیابی قانونی صورت داده است، وجود ندارد.^{۴۹}

نتیجه:

آنچه که در جلسات پیش از کنفرانس بازنگری صورت گرفت، رسیدگی به مسئله‌ی تجاوز بود. مسئله‌ای که مدت‌ها بدون تعریف باقی مانده بود. گرچه تعریفی از آن در مجمع عمومی ملل متحد صورت گرفته بود و به صورت اجماع در قالب قطعنامه درآمده بود. این قطعنامه، قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد بود که به دلیل این که تصمیمات مجمع جنبه توصیه‌ای دارد، نتوانست نقش مهمی در جامعه‌ی بین‌المللی بازی کند. در نهایت، با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و گنجاندن این جرم در صلاحیت دیوان، تعریف این جرم اهمیت دو چندانی پیدا کرد. در حین تشکیل دیوان، تعریفی از جرم تجاوز ارائه نشد و تعریف آن به کنفرانس بازنگری موکول شد. در جلساتی که برای کنفرانس تشکیل شد، تعریف جرم تجاوز با اتکا به قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی به تصویب رسید. با این حال، به خاطر نبودن مسئولیت فردی در قطعنامه مبنای طرح مسئولیت، ماده‌ی ۶ منشور نورنبرگ قرار گرفت. در مورد صلاحیت دیوان در مورد جرم تجاوز و نقش شورای امنیت

برای حفظ استقلال دیوان، این نتیجه حاصل شد که شورای امنیت، تنها رکن صالح برای رسیدگی به جرم تجاوز نمی‌باشد و رکن قضایی پیش از جلسه، اجازه به دادستان برای رسیدگی را صادر می‌کند. عناصر جرم تجاوز نیز با عنایت به تعریف جرم تجاوز در باب عنصر مادی و با توجه به منشور نورنبرگ در عنصر معنوی، در جلسات پیش از کنفرانس تصویب شد. پیش‌بینی می‌شود که دیوان بتواند تا حدودی استقلال خود را حفظ کرده و به مسئله جرم تجاوز رسیدگی کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تلاش‌های فراوانی برای ارائه‌ی تعریفی از تجاوز در سالیان طولانی صورت گرفته بود اما این تلاش‌ها موفق نبود. در نهایت، مجمع عمومی ملل متحد پس از سال‌ها تلاش موفق شد در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، قطعنامه‌ی ۳۳۱۴ را با عنوان «قطعنامه‌ی تعریف تجاوز» به تصویب برساند. این قطعنامه مشتمل بر ۸ ماده است و به‌طور کلی شامل تعریف کلی تجاوز، اعمال تجاوزکارانه، مسئولیت متجاوز و بالاخره اعتبار حقوقی قطعنامه است. (برگرفته از: ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، نشر دادگستر، ۱۳۸۶، ص. ۵۴۱).

2. ICC-ASP/3/25. Annex II Para1

ICC مخفف عبارت International Criminal Court است که به معنای دیوان کیفری بین‌المللی است و در این مقاله، به صورتی که در بالا ملاحظه می‌شود، به اسناد دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده شده است. اسناد دیوان کیفری بین‌المللی از سایت رسمی این دیوان مورد استفاده قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: پایگاه اینترنتی سایت رسمی دیوان کیفری بین‌المللی: www.icc-cpi.int

3. ICC-ASP/4/32.para77

۴. (ماده‌ی ۲۵ اساسنامه) مسئولیت کیفری فردی

مطابق این اساس نامه یک شخص مسئولیت کیفری فردی دارد و در ارتباط با جرمی که در صلاحیت دیوان است مجازات خواهد شد. هرگاه وی ...
ب - ارتکاب جرم مذکور را دستور داده، خواسته یا تشویق کرده است. مشروط بر این که جرم واقع شده باشد یا تلاش برای ارتکاب آن وجود داشته است...

و - برای ارتکاب اعمالی که طبیعتاً شروع به جرم محسوب می‌شوند تلاش کرده است، در حالی که جرم به دلیل شرایطی خارج از اراده‌ی وی انجام نشود معذک کسی که به اختیار خود تلاش برای ارتکاب جرم را رها کرده یا به هر حال مانع از اتمام تحقق آن شده است. به موجب این اساس نامه به خاطر تلاش برای ارتکاب جرم مجازات نخواهد شد مشروط بر این که کاملاً و آگاهانه از هدف مجرمانه‌ی خود منصرف شده باشد.

5. Ibid.para 86

6. ICC-ASP/4/32.Appendix I

7. ICC-ASP/4/32.AnnexII.B.P380

8. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.1.para2

9. ICC-ASP/6/SWCGA/2/Annex

10. Yoram,Dinstein. War, Aggression and Self Defence.Third edition. Cambridge University Press.2004 .p.130

11. ICC-ASP/4/32/Annex1.para31

۱۲. منشور ملل متحد.

13. Anja Sieber-Fohr. The crime of aggression: Adding a definition to the Rome statute of the ICC. vol12, Issue 24

14. ICC-ASP/4/32.para69.

15. Ibid.para68

16. Ibid. para73

17. ICC.ASP/4/32.AnnexII.c

18. ICC-ASP/5/SWGCA/INF.1.para52

19. ICC-ASP/5/SWGCA/INF.1.AnnexII

20. ICC-ASP/6/SWGCA/2

21. ICC-ASP/7/20/add.1.para23

22. ICC-ASP/8/Res.6.Appendix

۲۳. بند ۲ ماده‌ی ۱۲ مقرر می‌کند در حالت ماده‌ی ۱۳ بند "الف" یا "ج"، دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که حداقل یکی از دولت‌های ذیل عضو این اساس‌نامه باشند یا صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند.

الف - دولتی که در قلمرو آن [جرم] فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است.
ب - دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است.

چنانچه پذیرش [اعمال صلاحیت دیوان توسط] دولتی که عضو اساس‌نامه نیست به‌موجب بند ۲ مورد نیاز باشد، آن دولت می‌تواند با سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه اعمال صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت مورد نظر بپذیرد، دولت پذیرنده باید بدون هیچ‌گونه تأخیر یا استتار با دیوان همکاری نماید.

24. ICC-ASP/8/INF2.Annex2

25. ICC-ASP-8/48/add.1/Rev.Appendix1.para5

۲۶. فیلتر: محدودیت یا گزینشی است که نسبت به سازوکارهای ارجاع موارد در ارتباط با جرم تجاوز اعمال می‌شود. این محدودیت‌ها به‌صورت لزوم پذیرش اساس‌نامه‌ی دیوان در خصوص دولت ارجاع دهنده به دیوان کیفری بین‌المللی یا به‌صورت لزوم احراز جرم تجاوز از سوی شورای امنیت پیش از مطرح کردن موردی توسط دادستان در دیوان اعمال می‌شود.

27. RC/WGCA/1.Rev.2.Annex1

28. ICC-ASP-8/48/Add.1/Rev.Appendix1.Attachment

29. ICC-ASP-20106112-PR546

30. ICC-ASP/3/25/para48

31. Ibid.para52

32. Ibid.para31

۳۳. علیرضا، دیهیم، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی)، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص. ۴۵۸.

۳۴. همان، ص. ۴۵۶.

35. Dinstein. Ibid. p113

36. ICC-ASP/5/SWGCA/INF.1.para95

37. Ernest Von Weizsaecker

38. Michael Walzer. Just and Unjust Wars. Basic Books Published. 2006.p.295

39. Wilhelm Keitel

40. Wermacht

41. Gerhard Werle. Principles of International Criminal Law. T.M.C. Asser Press. 2005.p.398

42. ICC-ASP/5/SWGCA/INF.1/AnnexII

43. ICC-ASP/8/Res.6

44. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009.draft elements of crime.

۴۵. آنچه که بین دو کمان آمده برای توضیح بیشتر می‌باشد و جزوی از طرح نمی‌باشد.

46. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009. Annex I

47. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009. Annex II explanatory note

منابع

الف) فارسی:

۱. دیهیم، علیرضا، ۱۳۸۰. درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی). چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. ۱۳۸۶. حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات دادگستر.

۳. اساس نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی.

۴. منشور ملل متحد.

ب) لاتین:

BOOKS & ARTICLES

5. Dinstein, Yoram. 2004 War, Aggression and Self Defence. Third edition. Cambridge University Press. p113

6. Sieber-Fohr, Anja. The crime of aggression: Adding a definition to the Rome statute of the ICC. vol12, Issue 24

7. Walzer, Michael. Just and Unjust Wars. 2006. Basic Books Published.

8. Werle, Gerhard. Principles of International Criminal Law. 2005. T.M.C. Asser Press.

ICC DOCUMENTS

9. ICC-ASP/3/25. Annex II

10. ICC-ASP/4/32

11. ICC-ASP/4/32/Annex1

12. ICC-ASP/4/32. Appendix I

13. ICC-ASP/4/32. Annex II.B.

14. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.

15. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.1/AnnexII/ Discussion Paper

16. ICC-ASP/6/SWCGA/2/Annex

17. ICC-ASP/4/32. Annex II c

18. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.1

19. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.1. Annex II

20. ICC-ASP/6/SWCGA/2

21. ICC-ASP/7/20/add.1 para 23

22. ICC-ASP/8/Res.6. Appendix

23. ICC-ASP/8/INF2. Annex 2

24. ICC-ASP-8/48/add.1/Rev. Appendix 1. para 5

25. ICC-ASP-8/48/Add.1/Rev. Appendix 1. Attachment

26. ICC-ASP-20106112-PR546

27. ICC-ASP/3/25/

28. ICC-ASP/5/SWCGA/INF.1/Annex II

29. ICC-ASP/8/Res.6

30. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009. draft elements of crime

31. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009. Annex I

32. Informal intersessional meeting on the crime of aggression. 8-10 June 2009.

Annex II. explanatory note

33. RC/WGCA/1. Rev. 2. Annex 1

WEBSITE

34. www.lcc-Cpi.int